



Analyzing the factors of the loss of the tourism status of the investigating and region of Isfahan pachshme Dorcheh history with Relying on oral

Fatemeh Soleimani, Mina Moieni

M A in History of Islamic Iran, Department of History and Iranian studies, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ph.D of Islamic Iran History, Department of History and Iranian Studies, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract: Dorche area of Isfahan had areas, fields and pleasant nature due to Zayandeh River passing through it. One of these areas was a field or field known as Pacheshme, which was irrigated by means of gorkan material and there was a spring in it. Due to its proximity to Zayandeh River, there was plenty of water in this farm, and most of the spring and fall summer work was done in It used to be done.. In fact, with the drying up of the Zayandeh River, only semi-deep wells provide water to the Pacheshmeh desert. The spring of this area has also dried up due to the complete cut off Zayandehrud water, the digging of Felman wells by the regional water organization and also the operation of the Islamabad Dorche power plant. But despite this tourist capability, this region could never attract the attention of a large number of people from other regions. Why this area could not become a tourist area and what effect did this have on the Dorche area are the main questions of this research that have been tried to be answered based on oral history and library studies and in a descriptive and analytical way. It seems that: "Due to the indiscriminate exploitation of underground water resources, the imprudence of the officials at the time, the failure to preserve the environment and the ignorance of the people of the region about such a capacity, the opportunity to become a tourist in the region was lost."

Key Words: Darcheh, Zayandehrud, Pacheshme, tourism, oral history

بررسی و تحلیل عوامل از دست رفتن موقعیت توریستی شدن منطقه پاچشمه درچه اصفهان

با تکیه بر تاریخ شفاهی

فاطمه سلیمانی^۱، مینا معینی^۲

۱- کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ و ایران شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، گروه تاریخ و ایران شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

چکیده

منطقه درچه اصفهان به دلیل عبور رودخانه زاینده‌رود از میان آن، دارای مناطق، مزارع و طبیعتی دلپذیر بود. یکی از این نواحی، مزرعه یا صحرایی معروف به پاچشمه است که به وسیله مادی گورکان آبیاری می‌شد و چشمه‌ای در آن وجود داشت. این چشمه یکی از منابع آب مادی کارلان آتشگاه اصفهان محسوب می‌شد. به علت نزدیکی به زاینده‌رود، آب فراوانی در این مزرعه وجود داشت و بیشتر صیفی‌کاری بهاره و پاییزه در آن انجام می‌گرفت. عمق آب در این مزرعه تا قبل از خشکی زاینده‌رود حدوداً سه متر بود؛ ولی در حال حاضر، این عمق به پنجاه متر رسیده است. در واقع با خشک شدن زاینده‌رود، فقط چاه‌های نیمه‌عمیق، آب صحرای پاچشمه را تأمین می‌کنند. چشمه این منطقه نیز به دلیل قطع کامل آب زاینده‌رود، حفر چاه‌های فلمن توسط سازمان آب منطقه‌ای و همچنین، بهره‌برداری نیروگاه اسلام‌آباد درچه خشک شده است؛ با این حال، این منطقه تا قبل از خشکسالی و قطع شدن آب زاینده‌رود، به دلیل وجود باغات زیاد و درختان سرسبز، فضایی بسیار زیبا و با طراوتی خلق کرده بود که اهالی را برای گذراندن اوقات فراغت به سوی خود جلب می‌کرد؛ اما با وجود این قابلیت توریستی، این منطقه هیچ‌گاه نتوانست توجه شمار زیادی از مردم سایر مناطق را به خود جلب کند. اینکه چرا این ناحیه نتوانست به یک منطقه توریستی تبدیل شود و این امر چه تأثیری بر منطقه درچه گذاشت، سؤالات اصلی این پژوهش است که تلاش شده است بر اساس تاریخ شفاهی و مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیف‌تحلیلی به آن پاسخ داده شود.

به نظر می‌رسد: «به دلیل بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، بی‌تدبیری مسئولین وقت، عدم حفظ محیط‌زیست و ناآگاهی مردم منطقه از چنین ظرفیتی، فرصت توریستی شدن منطقه از دست رفت.»

واژه‌های کلیدی: درچه، زاینده‌رود، پاچشمه، توریستی، تاریخ شفاهی.

* **Corresponding Author:** Fatemeh Soleimani

E-mail address: f.soleimani1812@yahoo.com, mnmoeini89@gmail.com

Copyright2023@ Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. All rights reserved

مقدمه

درچه به همراه مزارع و درختان اطراف آن، فضای بسیار زیبا و باصفایی داشت؛ به طوری که از تهران و اصفهان و دیگر مناطق ایران به این صحرا برای گذراندن اوقات فراغت جذب می‌شدند. در دنیای امروز جاذبه‌های گردشگری و توجه به موقعیت‌های توریستی، در اولویت‌های کاری بیشتر دولت‌های جهان قرار دارد. پرداختن به موضوعاتی مانند خشکی این چشمه و علل منجر به این حادثه که می‌توانسته برای بیشتر مردم آن منطقه جنبه درآمدزایی داشته باشد، دارای اهمیت است. با توجه به مطالب بیان‌شده، این منطقه ظرفیت بسیار خوبی داشته است تا به‌عنوان یک اثر فرهنگی، طبیعی و توریستی ثبت شود. با توجه به محدودیت‌ها در نبود منابع کافی برای انجام این تحقیق، سعی شده با استفاده از مصاحبه‌های شفاهی و آمارهای موجود از طرح‌های هادی شهرداری، علل و عواملی که از توریستی شدن و جاذبه گردشگری این منطقه جلوگیری کرده است، بررسی شوند.

موقعیت طبیعی و جغرافیایی شهر درچه

شهرها از مراکز مهم سکونت در سطح کره زمین هستند که گاهی تا میلیون‌ها نفر را در خود جای داده‌اند. این امر سبب شده است زمین‌های وسیع و گسترده‌ای را به خود اختصاص دهند. زمین‌ها از واحدهای مختلفی چون توپوگرافی^۱ و ژئومورفولوژی^۲ شکل گرفته‌اند. اهمیت این موارد به گونه‌ای است که اگر به بعضی از اصول مکانیسم‌های مورفولوژیکی آسیب زده و به آنها بی‌توجهی شود، تعادل^۳ مورفولوژیکی محیط به هم می‌خورد و همین امر باعث بروز خطرات بزرگی می‌شود که می‌تواند آسیب‌های زیادی به محیط زیست و موارد دیگر طبیعی و غیر طبیعی وارد آورد (نادر صفت، ۱۳۷۹: ۱۹۹). با رویکردی که امروزه برای حفظ محیط زیست دیده می‌شود، نقش آن در ساختار شهرها بیشتر شایان توجه قرار گرفته است. در این میان، توجه به شرایط طبیعی باید به

منطقه پاچشمه در شهر کوچک و ساحلی درچه و در امتداد زاینده‌رود قرار دارد. که معنای لغوی این شهر مروارید کوچک است و در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان واقع شده است. رودخانه زاینده‌رود که یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های فلات مرکزی ایران محسوب می‌شود و از ارتفاعات زردکوه بختیاری واقع در جنوب غربی اصفهان سرچشمه می‌گیرد، از این شهر می‌گذرد. همین عامل باعث جذابیت این شهر و منطقه پاچشمه درچه شده است. مزرعه یا صحرای پاچشمه قسمتی از زمین‌های کشاورزی منطقه درچه اصفهان است که سند حق‌آبه‌داری از زاینده‌رود دارد که تا قبل از خشکی رودخانه، به وسیله مادی «گورکان» آبیاری می‌شد. دلیل نام‌گذاری این مزرعه به پاچشمه، وجود چشمه درچه در آن دانسته‌اند. این چشمه یکی از منابع آب مادی «کارلادان» آتشگاه اصفهان بوده و آب رودخانه را به باغات و مزارع آتشگاه منتقل می‌کرده است. عرض این صحرا از زاینده‌رود حدود ۵۰۰ متر است. طول آن از انتهای صحرای علی‌آباد، شروع و به میدان میوه و تره‌بار این شهر ختم می‌شود. وسعت مزرعه پاچشمه حدود ۳۰۰ جریب (سی صد هکتار) است؛ اما به دلیل خیابان‌کشی و حفر چاه‌های فلمن (شهرداری این طرح را برای تأمین آب و نیز طرح فاضلاب شهر انجام داده است) و مواردی مانند آن، وسعت این مزرعه تا حدی کمتر شده است. این منطقه در قدیم به‌صورت نظام ارباب رعیتی اداره می‌شد؛ اما بعد از اصلاحات ارضی در سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۶۰، این زمین‌ها بین کشاورزان تقسیم شده است.

این مزرعه دارای بیشه و درختانی بی‌شمار در نزدیکی خود رودخانه است که مملو از درختان بید، سپیدار و چنار است. در قدیم به علت نزدیکی به زاینده‌رود، آب فراوانی در این منطقه وجود داشت و بیشتر صیفی‌کاری بهاره و پاییزه در آن انجام می‌گرفت؛ اما در خشکسالی فعلی، کشاورزان در سال فقط یک بار محصول می‌کارند. با توجه به خشکی رودخانه، فقط چاه‌های نیمه‌عمیق هستند که آب صحرای پاچشمه را تأمین می‌کنند. در گذشته، چشمه

^۱ پستی و بلندی‌شناسی

^۲ مطالعه شکل زمین

^۳ مطالعه شکل، ساخت و توسعه ساختمان خارجی سنگ‌ها

گونه‌ای باشد که بهره‌گیری از ویژگی‌های هر منطقه و شهر را ممکن سازد؛ به گونه‌ای که تفاوت‌های سستی آن را محفوظ دارد و در برابر گرایش همگانی به همسان‌سازی ناشی از تعمیم فنون صنعت ساختمان‌سازی و استدلال‌های اقتصادی مقاومت کند (باستیه، ۱۳۷۷: ۷۴). بدیهی است نقش موقعیت شهرها و قرارگرفتن آنها در حاشیه رودها، پای کوه‌ها، دشت‌ها، شرایط آب‌وهوایی و سایر عوامل فیزیولوژیکی دیگر بر ساکنین شهر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به موارد فوق، نقش عوامل جغرافیایی در تمام جنبه‌های مثبت و منفی یک شهر مؤثرند. منطقه درجه اصفهان نیز متأثر از چنین ویژگی‌هایی است. این شهر در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان قرار گرفته است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی، در ۳۲ درجه و ۲۶ دقیقه و ۴۵ ثانیه عرض جغرافیایی و ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه طول شرقی واقع شده است. اختلاف ساعت این شهر با تهران ۴۸ ثانیه است. درجه از طرف شمال به جاده اصفهان - نجف‌آباد از ضلع شرقی به محدوده قانونی شهر اصفهان، از طرف جنوب و غرب به اتوبان ذوب آهن و محدوده قانونی شهرستان فلاورجان محدود می‌شود.

وضعیت اقلیمی شهر درجه

بخش اعظم بارندگی در شهر درجه مربوط به جریانات مدیترانه‌ای است که از اوایل پاییز تا اواسط بهار، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، بارش‌های بهاری که در نتیجه تبخیر حاصل از منابع رطوبتی نواحی کوهستانی است، اهمیت ویژه‌ای دارند. مقدار بارندگی سالیانه درجه در سال‌های قبل، یعنی دهه نود، بسیار افت پیدا کرده و این میزان در طی ده سال اخیر به کمترین میزان خود در طی سال‌های ۸۰-۹۰ رسیده است. آمار به‌دست‌آمده از سال‌های ۸۰ تا ۸۵ نشان می‌دهد میزان بارندگی‌ها ۱۷۲/۵ میلی‌متر بوده که با توجه به کاهش بارندگی‌ها در طی سال‌های اخیر، این میزان به نصف تقلیل پیدا کرده است؛ به طوری که این امر برای این شهر به‌عنوان یک فاجعه کم‌آبی تفسیر می‌شود. متوسط و میانگین بارندگی‌ها در طی ۵ سال اخیر به کمتر از ۱۰ میلی‌متر رسیده است. تا قبل از

ناهمواری‌ها یکی از عوامل بسیار مهم و سازنده چهره و منظره هر منطقه است و ضرورت دارد در مطالعات ناحیه‌ای و محلی توجه زیادی به آن مبذول شود (ودیدی، ۱۳۷۰: ۱۶۲)؛ اما منطقه مدنظر تا شعاع چند کیلومتری، فاقد ارتفاعات قابل ملاحظه است و اراضی منطقه بدون عارضه مهم بوده‌اند و در واقع دشت مسطحی است که شیب آن زیر یک درصد است. منطقه‌ای که شهر اصفهان و درجه روی آن بنا شده است، «دشت اصفهان» اطلاق می‌شود که از زمین‌های صاف با رسوبات آبرفتی تشکیل شده است و به‌ندرت بین آنها طبقات دگرگونی مشاهده می‌شود. این دشت در نتیجه رسوب‌گذاری دوران چهارم زمین‌شناسی به وجود آمده است و در یک فرورفتگی طویل و ممتد قرار دارد. طول این حوزه فرورفته، ۷۰۰ کیلومتر و عرض آن ۱۵۰ تا ۲۵۰ کیلومتر برآورد شده است. دشت مذکور به‌واسطه آب زاینده‌رود از حاصلخیزترین دشت‌های فلات

زاینده‌رود و نقش آن در منطقه درجه

از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری بستر اصفهان و شهر درجه، تالاب گاوخونی و زاینده‌رود بود. در واقع تکامل این دو پدیده در کنار یکدیگر عامل اصلی شکل‌گیری بستر شهر قلمداد می‌شوند. رودخانه زاینده‌رود یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های فلات مرکزی ایران است که از ارتفاعات زردکوه بختیاری، واقع در جنوب غربی اصفهان و از بخش شور آب «تنگ گزی» استان چهارمحال و بختیاری سرچشمه می‌گیرد و پس از طی بیش از ۳۶۰ کیلومتر، از مغرب به مشرق، دشت‌ها و زمین‌های زراعی اصفهان را آبیاری و در نهایت، به تالاب گاوخونی، واقع در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شرق اصفهان، فرو می‌رود. در دوران چهارم زمین‌شناسی، نه فقط زاینده‌رود، بیشتر رودخانه‌هایی که در نیمکره شمالی، واقع در عرض‌های متوسط بودند، آب بیشتری داشتند و در واقع آب‌وهوایی که در ایران وجود داشته، به مراتب مرطوب‌تر یا سردتر از امروز بوده است. سپس کمربند آب‌وهوایی به عرض‌های جنوبی تغییر محل داده است و بنابراین، آب‌وهوای ایران مرکزی که زاینده‌رود در آن قرار دارد، از رطوبت بیشتری برخوردار بوده است (تحویل‌دار، ۱۳۴۲: ۸۳). در دوران چهارم زمین‌شناسی، زاینده‌رود مانند بیشتر رودخانه‌های مرکزی ایران دارای آب بیشتر و در نتیجه، بستر عریض‌تری بوده است که آثار آن به صورت تراس‌هایی، مشاهده می‌شود. روی این تراس‌ها رسوبات رودخانه‌ای بر جای مانده است که در آن کشت‌وکار به عمل می‌آید و کانال‌های آبیاری روی همین تراس‌ها، با شیبی ملایم به جریان خود ادامه می‌دهند و مزارعی را که روی آنها ایجاد می‌شوند، آبیاری می‌کنند. این تراس‌ها در شهر درجه به خوبی مشاهده می‌شوند. هنگامی که از سمت زاینده‌رود به سمت زمین‌های «صحرا» یا «احمدآباد» و «فودان» حرکت می‌کنیم، سه تراس مشاهده می‌شود. در واقع، تمام چاه‌های آبی که در سطح شهر حفر می‌شوند و در ته آن به شن برخورد می‌کنند، روزگاری محل بستر زاینده‌رود بوده‌اند. «کوه سفید» شاهدی زنده بر این است که در عهد چهارم زمین‌شناسی کل منطقه دارای آب بوده و این کوه مرجانی

خشکسالی‌های اخیر، بارندگی در شهر درجه از آبان‌ماه شروع می‌شد و تا اردیبهشت، به مدت ۷ ماه ادامه داشت؛ که بیش از ۹۶٪ بارش سالیانه بود. ماه‌های خرداد و مهر، ماه‌های خشک و بی باران محسوب می‌شدند و آذر، پرباران‌ترین ماه سال بود که ۱۷/۸ درصد بارندگی سالیانه را تشکیل می‌داد. در شهریورماه هم بارش به حدود صفر می‌رسید. متوسط حداکثر مطلق درجه حرارت حدود ۳۹ درجه سانتیگراد ذکر شده است که این آمار مربوط به سال‌های قبل است. با توجه به گرم‌تر شدن هوا به نظر می‌آید این میزان باید افزایش یافته باشد. در طی سال‌های اخیر میزان دمای هوا افزایش چشمگیری داشته که طی آن، میزان تبخیر نیز زیادتر شده است. به‌طور کلی، براساس موارد فوق، آب‌وهوای درجه بر مبنای تقسیم‌بندی کوپن، آب‌وهوایی بیابانی و سرد و خشک دارد؛ البته در بعضی از سال‌ها که توده‌های هوای سرد از سیبری، به ایران مرکزی نفوذ می‌کند، ممکن است دمای هوا کاهش یابد (براتی، ۱۳۷۶: ۳۳).

با توجه به روایت‌های قدیمی افراد سالمند و باسابقه شهر، در سال ۱۳۳۳، در اواخر آبان تا نیمه اول آذرماه برای مدت بیست‌روز متوالی در منطقه درجه باران‌های شدیدی شروع به باریدن کرد که طی پانصد سال اخیر بی سابقه بوده است. بر اثر این بارش‌ها بیشتر خانه‌های مردم که خشت و گل هم بود، تخریب شدند و و به زیر آب رفتند. اهالی این شهر این حادثه را طغیان زاینده‌رود می‌نامیدند. در پی این طغیان، آب، خانه‌های محله فودان و محله‌های ساحل زاینده‌رود را گرفت و تا چند روز پس از این حادثه، اسباب و اثاثیه مردم و احشام آنها روی آب و در حال حرکت در کوزه‌ها و معابر بود. این سیل خسارت‌های جانی نداشت؛ اما زیان‌های مالی زیادی به مردم شهر درجه وارد کرد (براتی، ۱۳۷۸: ۱۲). متأسفانه شاهدی عینی وجود ندارد که درباره این سیل اظهار نظر کند؛ اما با توجه به اینکه حادثه بزرگ و نادر بوده است، گویا سال‌ها سینه به سینه نقل می‌شده است و برخی از افرادی که در آن زمان هم زندگی نکرده بودند، از پدران و مادران خود شرح ماجرا را بیان می‌کنند.

وگورتان مربوط به مادی‌های منطقه ماریین اصفهان هستند و از این شهر عبور می‌کنند. قنات برزه نیز از منطقه زازران وارد اراضی ولاشان می‌شود. این قنات‌ها جزو آب‌های زیرزمینی محسوب می‌شوند و از زاینده‌رود تأمین می‌شوند. سطح ایستایی در فصول مختلف سال بین ۱ تا ۲ متر نوسان دارد. همچنین، ارتباطی مستقیم با نوسانات آب زاینده‌رود و بارندگی در منطقه را دارد و به‌طور متوسط استایی در عمق ۶ متری زمین قرار دارد؛ ولی در سال‌های اخیر به دلیل کمبود بارش و پایین‌رفتن سطح آب زاینده‌رود، سطح ایستایی به حدود ۱۳ متر رسیده است (همان: ۸۰). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد رودخانه زاینده‌رود از حاشیه شهر درچه می‌گذرد. طبق آمار موجود در سال‌های مختلف، آب زاینده‌رود در ماه‌های مختلف نوسانات زیادی دارد. این آب منبع اساسی زراعی منطقه به‌شمار می‌رود. آب شهر درچه از تصفیه‌خانه باباشیخ علی در زرین‌شهر تأمین می‌شود و در مواقع بحرانی و کم‌آبی، از چاه‌های فلمن واقع در کنار کوه قائمیه استفاده می‌شود؛ البته حفر این چاه‌ها باعث پایین‌رفتن سطح آب زیرزمینی در اراضی کشاورزی شهر درچه و خشک‌شدن چشمه‌های آن شد.

صحرای پاچشمه (چشمه درچه)

چشمه به آب‌های زیرزمینی گفته می‌شود که خود به خود به سطح زمین راه پیدا می‌کنند. در زبان پهلوی، چشمگ یا چشمک، «نقطه‌ای است که آب‌های سفره آب، به سطح زمین بیرون زند و روان یا جمع شود» (جوهر الکلام، ۱۳۲۱: ۲۲). در زمین‌شناسی، چشمه یک جزء هیدروسفر است. چشمه محل تلاقی سفره‌های زیرزمینی با سطح زمین است. بسته به ثبات منبع آب، یک چشمه می‌تواند موقتی، دائمی یا خودجوش (آرتزین) باشد. در محل ظهور چشمه، گاه حوضچه‌ها یا نهرهایی پدید می‌آیند. دربارهٔ مزرعه یا صحرای پاچشمه درچه باید گفت قسمتی از زمین‌های کشاورزی منطقه درچه اصفهان است که سند حق‌آبه‌داری از زاینده‌رود دارد و تا قبل از خشکی رودخانه به‌وسیله مادی گورکان آبیاری می‌شد. دلیل نام‌گذاری این مزرعه به پاچشمه، وجود چشمه درچه در

بر اثر تجمع پوسته آهکی موجودات داخل آب شکل گرفته است؛ البته زاینده‌رود در زمان‌های مختلف از نظر زمین‌شناسی دارای نوسانات زیادی بوده است؛ چنانکه در کتابی به نقل از ظل السلطان این چنین نوشته شده است: «به چشم خود دیدم در میان رودخانه زاینده‌رود چاهی کنده بودند به قرب سی زرع و آبی به زحمت می‌کشیدند برای مشروبات؛ همین که دلو بالا می‌آمد، سگ و گربه و آدم و کلاغ و گنجشک، بدون ترس از یکدیگر روی هم می‌ریختند و آب می‌خوردند» (سیاه‌پوش، ۱۳۵۲: ۳۸).

اما دربارهٔ تقسیم آب زاینده‌رود که برای کشاورزان این منطقه، الویت و اهمیت زیادی دارد، باید اشاره کرد در ابتدا شیخ بهایی، وزیر و دانشمند عهد صفویه و شاه‌عباس، این طرح را مطرح کرد. گرچه تقسیم آب زاینده‌رود مربوط به عهد صفویه نیست و از زمان‌های پیش از دوره صفوی هم رواج داشت، به طوری که گفته شده است اردشیر بابکان نخستین شخصی بود که دستور تقسیم آب زاینده‌رود را داد، شیخ بهایی طرح مادی‌ها و تقسیم آب بر این مبنای داد که از بروز سیل و آب‌گرفتگی شهرها و روستاهای اطراف جلوگیری می‌کرد (جابری انصاری، بی‌تا: ۴۵). به‌طورکلی زاینده‌رود از ۱۵۴ نهر یا مادی تشکیل شده است. ۷۶ مادی از تونل کوه‌رنگ تا پل کله جریان دارد که ۳۹ مادی آن از سمت راست و ۳۷ عدد آن از سمت چپ رودخانه جدا شده است (جوهر الکلام، ۱۳۲: ۸۲).

در شهر درچه نیز مادی‌های زیادی وجود دارد که متأسفانه تمام آنها در زمان حال خشک شده‌اند. مادی‌ها و قنوات شهر عبارت‌اند از: ۱- مادی ولگان؛ ۲- مادی گزینچی؛ ۳- مادی علی‌آباد؛ ۴- مادی جزین؛ ۵- مادی عارض؛ ۶- مادی در؛ ۷- مادی سهم؛ ۸- مادی دنبه؛ ۹- مادی صحرا درچه؛ ۱۰- مادی کارلادان؛ ۱۱- مادی هرستان؛ ۱۲- مادی گورتان؛ ۱۳- مادی برزه؛ ۱۴- مادی قرطمان و ۱۵- مادی دینان. قنات‌های شهر درچه هم به این ترتیب‌اند: ۱- قنات احمدآباد و دینان؛ ۲- قنات ولاشان؛ ۳- قنات درچه و ۴- قنات برزه (براتی، ۱۳۸۷: ۵۰).

در درچه، مادی‌های سهم، دنبه، کارلادان، هرستان

شد این چشمه تأمین‌کننده بخشی از آب مادی کارلادان بود که با رودخانه حدود ۲۰۰ متر فاصله داشت. همچنین، وسعت دهانه آن حدود ۳۰۰ متر مربع و عمق آن به پنج متر می‌رسید.

در تکمیل مباحث فوق باید توضیحات بیشتری درباره شهر درچه و چشمه آن ارائه شود که از زبان اهالی قدیمی این منطقه بیان شده است. این شهر که نگین زاینده‌رود شناخته می‌شده، مدت ۱۵ سال است که به سمت خشکی و بیابانی پیش می‌رود. مصاحبه‌هایی که با برخی از افرادی که در زمان‌های قبل از خشک‌شدن چشمه درچه، انجام شد، چرایی این عامل و زوایای پنهان و پیدای آن مشخص شد. در یکی از مصاحبه‌ها، فرد مصاحبه‌شونده به زیبایی‌ها و شگفتی‌های این منطقه اشاره کرد. به گفته او، این منطقه در حدود ۵۰ سال پیش دارای خاک حاصلخیز و تقریباً آبرفتی بوده است. این عامل به دلیل طغیان‌های گاه و بی‌گاهی بوده که از رودخانه زاینده‌رود، به سمت این صحرا روانه می‌شده است. وجود حیات وحش و اکوسیستم این ناحیه که به‌نوعی در برخی از موارد باعث ترس و وحشت اهالی این صحرا می‌شده، از جمله موارد نادر در این منطقه بوده است. چشمه درچه که دارای عمق زیاد و آب زلالی بوده، برای اهالی و برخی از مسافران جزو تفریحات و سرگرمی‌ها محسوب می‌شده که گردشگران مختلفی را از بیشتر مناطق ایران به این منطقه می‌کشاند است. در طی سال‌های اخیر به دلایل مختلفی این چشمه رو به کم‌آبی رفته و در نهایت خشک شده است. فردی دیگر که از اصفهان در حدود ۵۰ سال پیش برای بازدید از این منطقه رفته بود، توصیفاتی جالب از آن ارائه می‌داد:

«زمانی که به این منطقه پا می‌گذاشتیم، گویی با بهشتی زیبا روبه‌رو می‌شدیم. ابتدا از کنار زاینده‌رود حرکت می‌کردیم و سپس از انبوه درختانی که دره‌م‌تینده بودند و علفزایی که در زیر پایمان قرار داشتند، عبور می‌کردیم. در هر جای این صحرا که قدم می‌زدیم، روحمان تازه می‌شد. صدای آواز پرندگان و حیات وحش و حیواناتی که از ترس حضور ما پا به فرار می‌گذاشتند، ما را به شگفتی وا

آن است. این چشمه یکی از منابع آب مادی کارلادان آتشیگانه اصفهان بوده است؛ البته دهانه مادی یادشده از خود زاینده‌رود و در اوایل صحرای علی‌آباد درچه ایجاد شده است. دو مادی کارلادان و سهم، از همین مزرعه عبور کرده و آب رودخانه را به باغات و مزارع آتشیگانه منتقل می‌کرده است. عرض این صحرا از زاینده‌رود حدود ۵۰۰ متر بوده و طول آن از انتهای صحرای علی‌آباد، شروع و به میدان میوه و تره بار ختم می‌شده است. گفته شده است وسعت مزرعه پاچشمه حدود ۳۰۰ جریب (سی صد هکتار) بوده است؛ اما به دلیل خیابان‌کشی و حفر چاه‌های فلمن و مواردی مانند آن، وسعت این مزرعه تا حدی کمتر شده است. این منطقه در قدیم دارای ارباب و بزرگ‌مالکانی بوده است؛ اما بعد از اصلاحات ارضی بین کشاورزان تقسیم شده است. این مزرعه دارای بیشه و درختانی در نزدیکی رودخانه است که البته تمام درختان بید، چنار، سپیدار و ... آن را کشاورزان کاشته‌اند تا خاک حریم این منطقه در برابر سیلاب‌های زاینده‌رود حفظ شود (سلیمانی، ۱۴۰۱). خاک مزرعه پاچشمه شن و ماسه‌ای است. در قدیم به علت نزدیکی به زاینده‌رود، آب فراوانی در این منطقه وجود داشت و بیشتر صیفی‌کاری بهاره و پاییزه در آن انجام می‌گرفت؛ البته کشاورزان در خشکسالی فعلی در سال فقط یک بار محصول می‌کارند. زمین‌های این مزرعه بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ متر وسعت دارد و عمق آب در این مزرعه تا قبل از خشکی زاینده‌رود حدود سه متر بود؛ ولی در حال حاضر، این عمق به ۵۰ متر رسید است. درواقع با خشکی زاینده‌رود فقط چاه‌های نیمه‌عمیق، آب صحرای پاچشمه را تأمین می‌کنند. این چشمه حدود دوازده سال است که خشک شده و دلیل آن، قطع کامل آب زنده‌رود، حفر چاه‌های فلمن توسط سازمان آب منطقه‌ای اصفهان و نیز نیروگاه اسلام‌آباد درچه است. چشمه درچه به همراه مزارع و درختان اطراف آن فضای بسیار زیبایی داشت؛ به طوری که از مناطق مختلف برای گذراندن اوقات فراغت و تفریح به این صحرا می‌آمدند. با وجود چنین ظرفیت‌هایی، این منطقه توانایی تبدیل شدن به یک منطقه توریستی را داشت؛ اما متأسفانه شایان توجه قرار نگرفت. همان‌طور که اشاره

۱۲ درصد از مساحت ایران زیر کشت می‌رفته، حدود ۹۳ درصد از مصرف آب ایران در بخش کشاورزی صورت گرفته است. این در حالی است که تنها ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی کشور از راه کشاورزی به دست می‌آید و ۱۷ درصد نیروی کار کشور در این بخش مشغول‌اند. ایران به دلیل تکیه بر اقتصاد مبتنی بر نفت، بهره‌وری اقتصادی خود در بخش کشاورزی را در تاریخ معاصر نادیده گرفته است. تمایل برای افزایش تولید کشاورزی، توسعه مناطق تحت کشت را در سراسر کشور تشویق کرده است. شیوه کشاورزی در ایران غالباً آبی است و بازده اقتصادی حاصل از مصرف آب کشاورزی پایین است. الگوهای محصول در سراسر کشور نامناسب و در بسیاری از مناطق با شرایط دسترسی به آب ناسازگار است (همان: ۲۲۴). توجه به خودکفایی در تولید محصولات عمده استراتژیک مانند گندم و تحریم‌های اقتصادی، منجر به تحمیل یارانه‌های سنگین در بخش کشاورزی و فشار بیش از حد به بخش آب شد. به نظر می‌رسد نه تنها این امر خودکفایی با شکست مواجه شد، آرمان دستیابی به امنیت غذایی، باعث ناامنی در بخش آب شد. دوگانه مدیریت آب و پایداری محیطی چندان هم چیز جدیدی نیست؛ اما در حال رشد است. در طول دهه‌های متمادی ایران با راه‌حل‌های مهندسی مانند ساخت سد و تونل‌های انتقال آب به‌منظور تأمین امنیت آب و سوسه شده است؛ اما باید گفت انتقال بین حوضه‌ای آب از یک منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر، معمولاً در مسافت طولانی، درمان قطعی نیست.

۱- استفاده بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی

منابع آب در ایران و به‌طور اختصاصی در اصفهان به‌طور جدی از ساختار نامناسب طرح‌ها و مدیریت آب رنج می‌برند. در بخش آب متأسفانه تعدد ذی‌نفعان و تنظیم منابع آب به‌طور طبیعی با درگیری و رقابت همراه است. سازمان محیط زیست کشور هم تنها کاری که انجام نمی‌دهد، عنوان آن است. ساختار سلسله‌مراتبی تقسیم مدیریت آب در ایران فرصت‌هایی را برای فساد و ناکارآمدی جدی در تبدیل تقسیمات به عمل ایجاد می‌کند.

می‌داشت. سنجاب‌هایی که روی درختان از این سو و به آن سو حرکت می‌کردند و روباه‌هایی که برای شکار خرگوش‌ها در زیر بوته‌ها پنهان می‌شدند. بیشه‌زارهایی که از درختان سرو و چنار پر بود، درمقابل چشمان ما نمایان شد. سپس ما به چشمه‌ای می‌رسیدیم که از آب لبریز بود. در طی راه آن قدر زیبایی دیده بودیم که این چشمه نهایت شکوه این منطقه برای ما بود» (غروی، ۱۴۰۱). این تنها گوشه‌ای از توصیفاتی است که برخی از اهالی از این منطقه ارائه می‌دهند.

در ادامه عللی آورده می‌شوند که در کنار خشکسالی‌های اخیر منجر به عدم تبدیل‌شدن این منطقه به موقعیت توریستی شد. شرایطی که با از بین رفتن آن، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به محیط زیست و زندگی مردم منطقه بر جای نهاد.

اما قبل از آنکه به بررسی عامل اول پرداخته شود، لازم است درباره پدیده خشکسالی و روند روبه‌رشد آن در ایران و به‌ویژه اصفهان مطالبی به‌عنوان پیش‌درآمد بیان شود.

ایران کشوری با اقلیم عمدتاً گرم و خشک است. رشد سریع جمعیت مهم‌ترین عامل کاهش سرانه آب تجدیدشونده کشور در قرن گذشته بوده است (لریدن، دومارسلی، ۱۳۹۶: ۱۲۰). بر این اساس، میزان سرانه آب تجدیدپذیر سالانه کشور از میزان حدود ۱۳۰۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۰۰ شمسی به حدود ۱۴۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۹۲ تقلیل یافته است و در صورت ادامه این روند به مراتب بدتر خواهد شد. منابع آب تجدیدشونده کشور حدود ۸۹/۵ میلیارد متر مکعب برای مصارف بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن و خانگی برداشت می‌شده است که حدود ۸۳ میلیارد متر مکعب آن (۹۳ درصد) به بخش کشاورزی، ۵/۵ میلیارد متر مکعب (۶ درصد) به بخش خانگی و مابقی به بخش صنعت و نیازهای متفرقه دیگر اختصاص یافته است (کردوانی، ۱۳۹۴: ۹۵). سرعت شهرنشینی، تمایل به توسعه بخش صنعت و تلاش‌ها برای شناسایی منابع اضافی تأمین آب، تقاضای آب را افزایش داده است. در ادامه به موضوع اصلی این بحث، یعنی کشاورزی و بحران آب خواهیم پرداخت؛ در حالی که تنها

انجام می‌پذیرد (پناهی، ۱۴۰۱).

علاوه بر این موارد، افزایش محصولات زیر کشت که نیاز به آب بسیار زیادی دارند و نبود یک برنامه منسجم و منظم سالیانه، با توجه به کاهش نزولات آسمانی و ریزش‌های فصلی، باعث کم‌شدن منابع آب‌های زیرزمینی شده است. در شهر درچه محصولات زیادی کشت می‌شوند که بیشتر آنان به شیوه غرقابی، آبیاری می‌شوند. براساس مشاهدات عینی در حین آبیاری برخی از این زمین‌ها، هدرروی آب به‌صورت فزاینده دیده شد. برخی از کشاورزان برای اینکه دوره‌های آبیاری خود را کاهش بدهند، زمان بیشتری زمین یا باغ خود را آبیاری می‌کنند و زمانی که علت این موضوع از آنان پرسیده شد، اینگونه پاسخ دادند که اگر زمین‌های آنها غرقابی آبیاری نشود، باعث افزایش آفت و کاهش محصول دهی آنان می‌شود که به نظر می‌رسد این موضوع یک تفکر اشتباهی است که به دلیل عدم رسیدگی و آموزش کافی از سوی نهادهای زیربط، سال‌ها در ذهن کشاورزان نهادینه شده است (سلیمانی، ۱۴۰۱). بعد از کم‌شدن آب زاینده‌رود و اجرای طرح آبرسانی به فلات مرکزی ایران که در دهه ۷۰ به مرحله اجرا درآمد، میزان استفاده کشاورزان از سفره‌های آب زیرزمینی افزایش یافت؛ حتی در مناطقی که در گذشته از حق‌آبه زاینده‌رود استفاده می‌کردند، این رویه با اقبال مواجه شد. کشاورزان این منطقه با حفر و بهره‌برداری بدون نظارت و بی‌رویه، با کشت محصولاتی چون برنج، هویج، شلغم، سیب‌زمینی و نیز تره‌بار و صیفی‌جات به خشک‌شدن هرچه بیشتر این سفره‌های سطحی و غیرسطحی در منطقه دامن زدند (سلیمانی، ۱۴۰۱).

منطقه پاچشمه از دیرباز، از باغ‌های زیبا و متنوع تشکیل شده بود. این باغات سرشار از درختان زردآلو، گیلان، آلبالو، هلو، گلابی، سیب، انار، آلو، بادام، انگور و ... بودند که این میوه‌ها مصرف آب بسیار زیادی داشتند. در قدیم و سال‌های پرآبی زاینده‌رود، این باغات از طریق انشعباتی از آب زاینده‌رود، سیراب می‌شدند. در برخی از سال‌ها هم با ایجاد جوی‌ها و راه‌آبه‌هایی از چشمه درچه، آب را به سمت مزارع و باغات خود می‌کشیدند که این

براساس شواهد و قراین در طی این سال‌ها برداشت از آب‌های زیرزمینی در این منطقه رو به افزایش بوده است. درست همان زمانی که چاه‌های بیشتری برای برداشت آب، کنده می‌شود، سطح آب‌های زیرزمینی به‌طور متوسط تقریباً نیم‌متر در سال افت می‌کند. سازمان محیط زیست سرعت استفاده از منابع آب را در مقایسه با استانداردهای جهانی سه برابر تخمین زده و این به معنی خودکشی گسترده در بخش آب است.

این عامل یکی از مواردی است که تأثیر بیشتری را بر روند خشکی منطقه و به‌ویژه چشمه درچه داشته و از سال ۱۳۸۰ به بعد روند سریع‌تری را پیدا کرده است. یکی از علت‌های این موضوع کم‌شدن آب زاینده‌رود، به‌عنوان اصلی‌ترین منبع آب برای زمین کشاورزی بوده است. براساس اظهارات بیشتر ساکنان منطقه اسلام‌آباد درچه و کشاورزان در اطراف زاینده‌رود از جمله صحرای پاچشمه، برداشت‌های بی‌رویه آب از چاه‌های اطراف زاینده‌رود، که برای مصارف صنعتی و اقتصادی به کار می‌روند، جزو مواردی بود که در خشک‌شدن این صحرا و چشمه آن بی‌تأثیر نبوده است. این عامل در سکوت مأموران و مسئولان شهری انجام می‌گرفت. افراد سودجو که اغلب با توجه به کاهش بودجه سازمان‌های دولتی از جمله شهرداری، با پرداخت مبالغی قابل توجه، مجوز احداث چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق را دریافت می‌کردند و با برداشت بی‌رویه و غیر اصولی آب از این سفره‌های آب زیرزمینی، زمینه خشک‌شدن آب‌های سطحی (چشمه) و زیرزمینی دیگر (قنات‌ها) را فراهم می‌آوردند. در تأیید این موضوع بعد از مصاحبه با یکی از اهلی این منطقه، مشخص شد در منطقه اسلام‌آباد و قرطمان درچه، سوله‌هایی است که با پوشش انبار اقدام به شستن محصولات کشاورزی می‌کنند. آب مورد نیاز برای این کار از طریق حفر چاه‌هایی عمیق و غیرعمیق تأمین می‌شود که براساس خشکسالی‌ها در این سال‌ها امری غیرقانونی است. حفر چاه در مناطق کشاورزی تنها باید برای مصارف آبیاری زمین‌ها و باغ‌ها انجام شود که متأسفانه این کار در برخی موارد به دور از چشم مأموران و گاهی با اطلاع آنان

کودها برای زمین مناسب نیست و ممکن است باعث سوختگی محصولات بشود، کشاورزان بلافاصله اقدام به آبیاری غرقابی می‌کنند و مدت زیادی آب را به روی زمین‌های خود نکه می‌دارند و این اقدام را برای جلوگیری از سوختگی محصولات خود ضروری می‌دانند. زمانی که به آنها پیشنهاد شد به جای غرقاب کردن زمین‌های خود از کود کمتری استفاده کنند، این موضوع را رد و عنوان می‌کردند در این صورت محصولات آنان به موقع رشد نمی‌کنند و به بازار فروش نخواهند رسید (شاه نظری، ۱۴۰۱).

ب) وجود نیروگاه (بخاری) اسلام‌آباد، یکی از عوامل مهم در تخریب محیط زیست آبی و خاکی این منطقه بوده است. پساب‌هایی که از این نیروگاه به درون رودخانه سرازیر می‌شدند، منبع تغذیه آب‌های زیرزمینی و سطحی از جمله چشمه درچه می‌شد و بالطبع این آلودگی‌ها در خشک‌شدن و کاهش کیفیت این آب تأثیر داشت (سلیمانی، ۱۴۰۱).

پ) در حدود ۲۰ سال قبل و از زمانی که شبکه فاضلاب در شهر درچه به‌طور کامل اجرایی نشده بود، بیشتر فاضلاب‌های خانگی (شهری) به داخل زاینده‌رود سرازیر می‌شدند. با توجه به اینکه این رودخانه منبع اصلی آب چشمه درچه محسوب می‌شد، یکی از عواملی که باعث نابودی این چشمه شد، همین فاضلاب‌ها بود.

ت) با توجه به اینکه بیشتر کشاورزان و افرادی که در این منطقه زندگی می‌کردند، از سواد کافی برخوردار نبودند، نتوانستند محیط زیست را حفظ کنند و از این رو، در زمینه‌های پاک‌سازی محیط از زباله‌های جامد و غیر جامد که باعث از بین رفتن محیط زیست منطقه می‌شدند، کوتاهی‌هایی صورت گرفت. زمانی که با برخی از همین کشاورزان منطقه درباره روش‌های نوین آبیاری و کوددهی صحبت می‌شد، به‌طور عجیبی از این فرایندها بی‌اطلاع بودند و عنوان می‌کردند برای آنها همین که مدتی به سر مزرعه یا باغ خود بیایند و از سایه درختان استفاده کنند، با دوستان خود لحظه‌ای بنشینند و درباره محصولاتشان صحبت کنند، کافی است. موضوعاتی مثل محیط زیست،

موارد اکثراً بدون نظارت و براساس نیاز باغداران و کشاورزان منطقه انجام می‌گرفت. این عامل در سال‌های کم‌آبی زاینده‌رود روند افزایشی یافت و در پی آن باعث خشک‌شدن این چشمه و قنات‌های اطراف آن شد (عابدی، ۱۴۰۱) (رک: تصویر شماره ۲).

۲- بی‌توجهی به محیط‌زیست و کم‌کاری در حفظ آن:

محیط زیست منطقه اصفهان از سال ۱۳۴۰ به بعد، همیشه دستخوش تغییرات و تخریب‌های زیادی قرار گرفته است. یکی از دلایل مهم این موضوع، صنعتی‌بودن این منطقه است. بعد از اصلاحاتی که در دهه چهل در دستور کار دولت‌های وقت ایران انجام گرفت، اصفهان به دلیل موقعیت مناسب سوق‌الجیشی و دارا بودن رودخانه زاینده‌رود، به‌عنوان یکی از قطب‌های صنعتی انتخاب شد و بیشتر صنایع مادر و کاربردی در این منطقه احداث شد. این صنایع سالانه با تولید آلودگی‌های فراوان، همیشه به‌عنوان یک چالش بزرگ، پیش روی مسئولین این استان بوده‌اند.

الف) یکی از مهم‌ترین این تخریب‌ها و نگرانی‌ها در سال‌های اخیر (قبل از خشک‌شدن زاینده‌رود)، موضوع آلودگی‌های آبی است که گریبانگیر این منطقه و به‌طور ویژه، شهر درچه بود. کشاورزان منطقه درچه بعد از اصلاحات ارضی و تلاش‌هایی که دولت برای ارسال کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها به این مناطق داشته، همیشه به‌صورت بی‌رویه از این محصولات استفاده می‌کرده‌اند. این پساب‌ها اکثراً یا در رودخانه، سرازیر یا به درون چشمه روانه می‌شدند. در برخی از موارد، کشاورزان پساب‌هایشان را به عمد در این چشمه می‌ریختند. یکی از این کشاورزان بعد از مصاحبه ما را به نقطه‌ای از منطقه پاچشمه برد که باعث شگفتی بود؛ کودهای شیمیایی که در انتهای مسیر یک جوی ته‌نشین شده بودند. بیشتر کشاورزان با سطل‌هایی تقریباً بزرگ، اقدام به ریختن این کودها به پای زمین‌های کشاورزی می‌کردند که بسیار جای تعجب داشت؛ اما از نظر این افراد، این اقدام برای رشد و افزایش کیفیت محصولات لازم بود. با توجه به اینکه این مقدار از

بی‌تدبیری و عدم رسیدگی به شکایات و نیازهای مردم و کشاورزان شهر درجه، سخن تازه‌ای نیست. متأسفانه در طی سال‌های پس از جنگ تنها توجه بیشتر غریب به اتفاق مسئولین کشور، از جمله مسئولین شهر درجه به مسائل سیاسی و حوزه‌های مربوط به آن بوده و رسیدگی به محیط زیست و طبیعت شهر، با اقبال کمتری مواجه شده است. در طرح‌های ضابطه‌ای به‌دست‌آمده از شهرداری، به این موارد کمتر اشاره شده و بیشترین اشاره به ساختمان‌سازی و طرح‌های هادی شهرنشینی بوده است. در یکی از این طرح‌ها، اشاره‌ای مختصر به محیط سبز و پارک‌ها شده است که البته این موضوع شامل منطقه پاجشمه و اطراف آن نیست. این موضوع جای تأسف دارد که برای مسئولین این شهر، این منطقه و قابلیت‌های آن هیچ اهمیت و اولویتی نداشته است؛ بنابراین، خشکی پاجشمه درجه می‌تواند ناشی از بی‌تدبیری و نبود متخصص در این زمینه در شهرداری شهر درجه باشد. براساس آنچه در این طرح‌ها آمده است، محوطه‌های سبز و باز عمده در طرح جامع شهر درجه، باغات و اراضی کشاورزی ویژه حاشیه زاینده‌رود، اراضی پایکوهی و پهنه‌های باغات و اراضی کشاورزی هستند. این محوطه‌ها برحسب موقعیت و نوع استفاده به سه دسته: ۱- پهنه سبز و باز حاشیه زاینده‌رود؛ ۲- پهنه سبز و باز عمده حاشیه کوه شیری و ۳- پهنه باغات و کشاورزی تقسیم می‌شوند. برخی از اراضی حاشیه زاینده‌رود داخل حریم حفاظتی فنی قرار گرفته‌اند که ضوابط و مقررات آن ویژه حوزه استحفاظی شهرداری شهر است که پاجشمه جزو این مناطق محسوب نمی‌شود (۱۳۸۰-۱۳۹۳، ۵۶۳). در این طرح بیان شده است پهنه باز و فضای سبز پارک‌ها به‌منظور سایر فضاهای گذران اوقات فراغت عمومی است که اکثراً از زمین‌های کشاورزی و حاشیه زاینده‌رود، شامل بیشه‌زارها و دشت‌های سرسبز آن تشکیل شده است. این مناطق تحت نظارت و حفاظت شهرداری است. در کنار این فضای سبز، هنوز باغات و مزارع کشاورزی بسیاری وجود دارند که تحت مالکیت زارعان و کشاورزان این مناطق اند. همان‌طور که اشاره شد در این طرح‌ها منطقه

اکوسیستم منطقه، جانوران این صحرا و حفاظت از آب و خاک منطقه مواردی بود که این افراد به‌شدت به آن بی‌تفاوت و حتی به‌نوعی بی‌اطلاع بودند. این موضوع می‌تواند ناشی از عدم اطلاع‌رسانی و آموزش سازمان‌ها و دستگاه‌های زیربسط باشد (پناهی، ۱۴۰۱).

۳- ناآگاهی مردم منطقه از چنین ظرفیتی:

شهر درجه به‌عنوان نگین زاینده‌رود از آغاز همیشه شایان توجه بوده است. به دلیل سرسبزی و طراوت زیادی که در این شهر وجود داشته، نیازی به فضای سبز خاصی نداشته است. مردم شهر همیشه برای تفریحات خود و گذراندن اوقات فراغت در باغات و مزارع سرسبز خود روزگار می‌گذراندند. کشاورزان که از صبح تا شب در مزارع سرسبز و باغات خود فعالیت می‌کردند، نیازی به فضای سبز دیگری نداشتند. رودخانه زاینده‌رود و بیشه‌زارهای اطراف آن همیشه جایگاه مردم این شهر در روزهای تعطیل و فراغت بود؛ بنابراین، برای مردم این شهر تا حدود ۳۰ سال قبل، با توجه به جمعیت کمی که وجود داشت، موضوع نیاز به فضای سبز و منطقه توریستی، زیاد مطرح نمی‌شد؛ در نتیجه، منطقه پاجشمه هم از این موضوع مستثنی نبود و برای مردم بومی این شهر، موضوع این چشمه امری عادی و معمولی تلقی می‌شد؛ حتی بعدها در دهه ۶۰، به دلیل مشغولیت مردم این منطقه و مناطق دیگر ایران به جنگ و مسائل مربوط به آن، به موقعیت توریستی این مکان توجه نشد. بعد از دهه هفتاد هم متأسفانه توجه به این مسائل با اقبال مردم و حتی مسئولین وقت در شهرداری، مواجه نشد. می‌توان گفت این موضوع برای ساکنان شهر درجه بی‌اهمیت به نظر می‌رسید، تا اینکه با خشک‌شدن منطقه، فرصت توریستی‌شدن این مکان کلاً منتفی و به فراموشی سپرده شد و همان‌گونه که در قسمت قبلی به آن اشاره شد، مردم منطقه اقبال و توجهی به آن نشان نمی‌دادند (اسحاقیان، ۱۴۰۱).

۴- بی‌تدبیری مسئولین وقت:

شهر درجه بوده است. این منطقه با بیشه‌زارها، دشت‌ها و مزارع زیبا و بی‌نظیر، جزو مناطقی بود که می‌توانست به یک منطقه توریستی و تفریحی بزرگ و پرجاذبه تبدیل شود؛ اما به دلیل بی‌توجهی‌ها و کاستی‌هایی که تنها مربوط به این منطقه هم نیست، این موقعیت از دست رفت و منجر به نابودی منطقه پاچشمه شد. پس از خشکسالی‌های طولانی در این منطقه و تمام مناطق اصفهان، چشمه این ناحیه خشک شد؛ البته همان‌طور که مشاهده شد این عامل دلایل متعددی داشت. خشک‌شدن زاینده‌رود که باعث کاهش میزان آب‌های زیرزمینی و سطحی در این منطقه شد، جزو عوامل اصلی و مهم محسوب می‌شود. در کنار این عامل، موضوع احداث پروژه‌های آب‌بر، مانند نیروگاه اسلام‌آباد هم در این موضوع بی‌تأثیر نبود. حفر چاه‌های فلان توسط شهرداری اصفهان برای تأمین آب آشامیدنی شهرهای اطراف زاینده‌رود و بی‌توجهی به محیط زیست این منطقه، ناآگاه بودن مردمان بومی این خطه و بی‌تدبیری مسئولین وقت از جمله مواردی هستند که همه دست به دست یکدیگر داده‌اند و این منطقه را از فرصت‌های توریستی و جاذبه‌های گردشگری که می‌توانست داشته باشد، محروم کرده‌اند.

کتابنامه

- باستیه، ژان و برنارد دزر، (۱۳۷۷)، شهر، ترجمه علی اشرفی، انتشارات دانشگاه هنر، چاپ اول.
- براتی، ابراهیم، (۱۳۷۶)، موقعیت کشاورزی درجه در ارتباط با شرایط جغرافیایی آن، دانشگاه یزد.
- براتی، ابراهیم، (۱۳۸۷)، درجه نگین زاینده‌رود، انتشارات کنکاش، درجه، چاپ اول.
- تحویلدار، محمدحسن خان، (۱۳۴۲)، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار و اصناف شهر اصفهان، به کوشش محمد ستوده، چاپخانه دانشگاه تهران.
- جابری انصاری، میرزاحمد حسن، (بی‌تا)، تاریخ اصفهان وری، انتشارات حسین عمادزاده.
- جواهرالکلام، علی، (۱۳۱۲)، زنده‌رود، انتشارات مطبوعه، تهران، اردیبهشت، جلد اول.

پاچشمه جزو هیچ‌یک از فضا‌های سبز و منطقه تفریحی، معرفی نشده است و به نظر می‌رسد این منطقه تا سال‌ها حتی بعد از خشک‌شدن کامل آن جزو مناطق کشاورزی و باغات شهر محسوب می‌شده است. بدیهی است زمانی که این منطقه به‌عنوان یک عنصر گردشگری و مهم در نظر گرفته نشده است، به مرحله اجرا هم نرسیده و مثل تمام فرصت‌هاب از دست‌رفته در این مناطق، نابود شده است (تصویر شماره یک).

در پایان، با توجه به اینکه در موارد فوق یکی از عوامل خشکی چشمه درجه، نیروگاه اسلام‌آباد معرفی شد، لازم است درباره این نیروگاه اطلاعات مختصری برای خوانندگان ارائه شود. نیروگاه حرارتی اسلام‌آباد - درجه، معروف به نیروگاه اصفهان در حاشیه زاینده‌رود در غربی‌ترین نقطه اصفهان در دامنه کوه موسوم به دنبه و در فاصله دو کیلومتری بزرگراه ذوب‌آهن در سال ۱۳۴۸ تأسیس شد. این نیروگاه یکی از مهم‌ترین نیروگاه‌های ایران از نوع حرارتی با ظرفیت تولید ۸۳۵ مگاوات برق است که شامل ۵ واحد بخار (دو واحد ۳۷/۵ مگاواتی، یک واحد ۱۲۰ مگاواتی و ۲ واحد ۳۲۰ مگاواتی) در زمینی به مساحت ۷۴ هکتار است. این نیروگاه قدیمی‌ترین نیروگاه منطقه اصفهان است (براتی، ۱۳۸۷: ۹۴، تصویر شماره سه). در اواسط دهه ۱۳۸۰ براساس طرحی که در شورای عالی تصمیم‌گیری استانداری اصفهان انجام گرفت، میزان استفاده نیروگاه اسلام‌آباد از آب زاینده‌رود اصفهان مشخص شده بود و نیز مساحتی که این نیروگاه برای مصارف خود استفاده می‌کرد، مشخص شده بود؛ اما به دلیل بسی‌توجهی مسئولین شهر و بی‌کفایتی در رسیدگی به شکایات کشاورزان و مردم این شهر، مسئولین نیروگاه در هر مرحله از کم‌شدن آب زاینده‌رود اقدام به تصرف مناطقی از بستر این رود کرده‌اند؛ همین عامل باعث از بین رفتن حریم رودخانه و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و سطحی این منطقه از جمله چشمه درجه شد (شاه‌نظری، ۱۴۰۱).

نتیجه

پاچشمه یکی از وسیع‌ترین و جذاب‌ترین صحرا‌های

صفحه ۵۶۳.

سیاه‌پوش، محمدتقی، (۱۳۵۲)، پیرامون آب‌وهوای باستانی ایران، ابن‌سینا.

مصاحبه‌ها

مصاحبه با آقای اسحاقی، (۲۴ مهر)، ۱۴۰۱، ۷۱ ساله، شغل بازنشسته شهرداری، محل مصاحبه درچه.

شفقی، سیروس، (۱۳۸۱)، جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.

مصاحبه با آقای اسحاقیان، (۲۱ مهر)، ۱۴۰۱، ۷۱ ساله، شغل آزاد، محل مصاحبه درچه.

کردوانی، پرویز، (۱۳۹۴)، خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.

مصاحبه با آقای پناهی، (۱۵ آبان)، ۱۴۰۱، ۴۵ ساله، شغل آزاد، محل مصاحبه درچه.

لریدن، دومارسلی، (۱۳۹۶)، جمعیت‌شناسی آب‌وهوا و تغذیه جهانی، ترجمه محمد میرزایی، انتشارات مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

مصاحبه با آقای سلیمانی، (۱۵ مهر)، ۱۴۰۱، ۷۰ ساله، شغل کشاورز، محل مصاحبه درچه.

نادر صفت، محمدحسین، (۱۳۷۹)، ژئورفولوژی مناطق شهری، انتشارات دانشگاه پیام‌نور، چاپ اول.

مصاحبه با آقای شاه‌نظری، (۲۰ آبان)، ۱۴۰۱، ۶۵ ساله، شغل آزاد، محل مصاحبه درچه.

ودיעی، کاظم، (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در جغرافیا و راهنمای مطالعات جغرافیایی و عمران‌های

مصاحبه با آقای عابدی، (۱۵ آبان)، ۱۴۰۱، ۷۴ ساله، شغل بازنشسته، محل مصاحبه درچه.

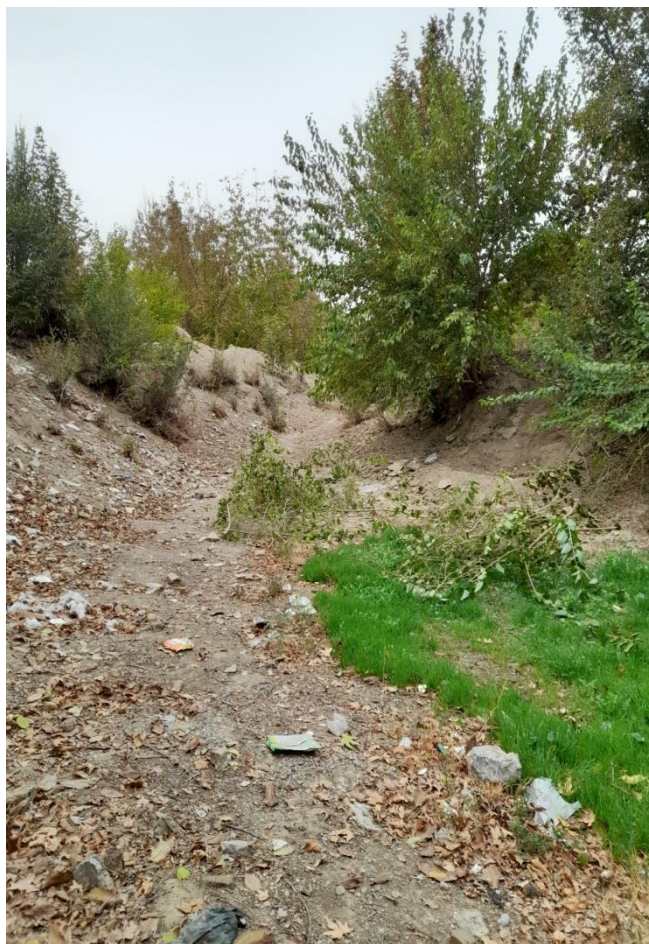
منطقه‌ای، انتشارات دهخدا، تهران، چاپ دوم.

مصاحبه با آقای غروی، (۲۸ مهر)، ۱۴۰۱، ۵۱ ساله، شغل آزاد، محل مصاحبه اصفهان.

مهندسین مشاور شهر خانه، طرح جامع خمینی شهر، ۱۳۷۰، صفحه ۲۸.

طرح‌ها و ضوابط هادی شهر درچه، (۱۳۸۰-۱۳۹۳)،

تصویر شماره یک



تصویر شماره دو



تصویر شماره سه

